

مأموریت‌هایی را که حماس به آن‌ها محول کرده بود، در محل اقامت خودشان اجرا نمی‌کردند، بلکه در جای دیگری آن را به انجام می‌رساندند. هر مأموریت آن‌ها، در یک جای جدا بود، ولی در تمامی آن‌ها ذیل یک فرماندهی [واحد] کشوری باقی می‌ماندند؛ بنابراین نیروهای عملیاتی شین‌بت که [در طول سالیان، فقط] نسبت به آنچه در مناطق جغرافیایی مشخص [مثلاً فلان شهر یا فلان روستا] رخ می‌داد آگاهی تخصصی پیدا کرده بودند، هیچ نتیجه قابل توجهی برای ارائه نداشتند.

حالا حسون داشت یک نگاه و رویکرد جدید نسبت به عیاش (که به او کُدنام «کریستال» داده بودند) در پیش می‌گرفت. او اعلام کرد همه اطلاعات در خصوص کریستال باید در دفتر او و تحت فرماندهی او متمرکز شود. [به این ترتیب] «عملیات کریستال» از یک موضوع محلی که به صورت جداگانه توسط تعدادی از نیروهای عملیاتی شین‌بت مدیریت می‌شد (که هرکدام از آن‌ها هم تحت فرماندهی یک فرمانده جدا بودند که اولویت‌های خاص خودش را داشت) به یک موضوع کشوری تبدیل شد که همه تصمیمات در خصوص آن را حسون اتخاذ می‌کرد. این، یک جور انقلاب سازمانی در سطح کوچک بود: حالا حسون می‌توانست از بالای سر [و بدون در نظر گرفتن] فرماندهان محلی، [برای زبردست‌های آن‌ها] دستور صادر کند و همین، باعث شد خیلی‌ها کینه [او] را به دل بگیرند.^۵

حسون به واحدهای مختلف شین‌بت دستور داد تا تلاش کنند تعدادی از فلسطینی‌هایی که ممکن بود [اطلاعاتشان] به کار بیاید [به عنوان جاسوس] به خدمت بگیرند. او همچنین به نیروهای عملیاتی دستور داد تا ده‌ها نفر از نیروهای فعال حماس را که در زندان‌های اسرائیل بودند، مجدداً بازجویی کنند. در پی این اقدامات، ۳۵ تن دیگر از نیروهای فعال حماس بازداشت و بازجویی شدند. این افراد را شب‌ها در کنار هم در سلول‌هایی می‌انداختند (هر بار در گروه‌های متفاوت) و مکالمات آن‌ها را با میکروفون مخفی ضبط می‌کردند. علاوه بر این، آن زندانی‌های فلسطینی هم که به خدمت گرفته شده بودند تا به عنوان جاسوس برای شین‌بت کار کنند (و به آنها «ماپت»^۶ می‌گفتند) را هم داخل سلول‌های آن‌ها جا می‌دادند تا آن‌ها را به حرف بیاورند.

نیروهای شین‌بت خیلی زود کشف کردند که عیاش به طرز خارق‌العاده‌ای باهوش است. مدت‌ها پیش از آنکه به صورت گسترده معلوم شود که نیروهای مجری قانون و دستگاه‌های اطلاعاتی می‌توانند مخفیانه حجم انبوهی از اطلاعات را از تلفن‌های شخصی به دست آورند [و هنوز شنود و رصد تلفن‌های شخصی به این گستردگی وجود نداشت]، عیاش این زحمت را به خود می‌داد که به صورت دائم از یک تلفن همراه واحد یا یک خط تلفنی ثابت استفاده نکند و دائماً محل خواب خود را هم تغییر دهد. از همه این‌ها مهم‌تر، به نظر می‌رسید که او هیچ‌وقت به هیچ‌کس اعتماد نمی‌کند.^۷

با همه این‌ها نهایتاً تلاش‌ها برای پیدا کردن محل کریستال ثمر داد. روشن شد که او در لهستان نیست و هیچ‌وقت هم نبوده است. او در شمال کرانه باختری بود، و از نزدیکی قلقلیه (در منطقه‌ای که بخشی از آن تحت کنترل اسرائیل و بخشی تحت کنترل حکومت خودگردان فلسطین قرار داشت)، درست بیخ گوش شین‌بت فعالیت می‌کرد. کارمی گیلون که جانشین پری در ریاست شین‌بت شده بود، می‌گوید: «نمی‌شه گناه دستگیر نشدن [عیاش] رو فقط انداختن کردن حکومت خودگردان فلسطین. این، شکست ما بود، و باید بهش اعتراف کنیم».^۸

در ماه آپریل [حوالی فروردین ۱۳۷۴]، چهار ماه بعد از امضای برگه قرمز، شین‌بت سرنخی به دست آورد که نشان می‌داد عیاش قرار است برای شرکت در یک نشست حماس به الخلیل برود. حسون معتقد بود که اقدام کردن در آن زمان خیلی خطرناک است و نفوذ اطلاعاتی در داخل حماس باید افزایش پیدا کند، ولی